

مقایسه ابعاد رضایت زناشویی زنان دارای مشاغل دولتی، آزاد و زنان خانه‌دار

خلیل اسماعیل پور^۱

چکیده

پژوهش حاضر، در جهت تعیین تفاوت ابعاد رضایت زناشویی زنان دارای مشاغل دولتی، آزاد و زنان خانه‌دار انجام شد. بدین منظور تعداد ۳۲۲ زن متأهل (۱۵۲ زن خانه‌دار و ۱۷۰ زن شاغل) از شهر تبریز که با همسرشان زندگی می‌کردند، انتخاب شد. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ و پرسشنامه جمعیت‌شناختی جمع‌آوری و با روش تحلیل واریانس چندمتغیری تحلیل شد. نتایج نشان داد که زنان خانه‌دار در مقایسه با زنان شاغل در بیشتر زمینه‌ها (نگرش به ویژگی‌های شخصیتی طرف مقابل، رضایت از ارتباط، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، روابط جنسی، و روابط با خویشاوندان و دوستان) از رضایت کمتری برخوردارند. بین کارمندان و فرهنگیان تفاوت معنی‌داری وجود نداشت، اما زنان دارای مشاغل آزاد در مقایسه با مشاغل دولتی، از نظر نگرش به ویژگی‌های شخصیتی همسر، حل تعارض، مدیریت مالی، و فعالیت‌های اوقات فراغت، رضایت کمتری داشتند. بدین ترتیب روشن شد که بیشترین نارضایتی زناشویی مربوط به زنان خانه‌دار و در درجه دوم مربوط به زنان دارای مشاغل آزاد است. براساس نتایج این تحقیق، مشاوران و روانشناسان و افرادی که در زمینه اشتغال و مسائل مربوط به خانواده و زنان درگیر هستند، می‌توانند ابعاد فوق را به عنوان مشکلات بالقوه زنان خانه‌دار و زنان دارای مشاغل آزاد مدنظر داشته باشند.

واژگان کلیدی: رضایت زناشویی، مشاغل دولتی، مشاغل آزاد، زنان شاغل، زنان خانه‌دار.

خانواده به لحاظ کارکردهایی که در جامعه برعهده دارد، از جمله نهادهای مورد توجه پژوهشگران و نظریه‌پردازان حوزه‌های علوم رفتاری است. در این زمینه رضایت زناشویی^۱، به عنوان شاخصی از سلامت روابط زن و شوهر، بیش از همه موضوعات مورد توجه بوده است. همان طوری که تحقیق گریف (۲۰۰۰) نیز نشان داده است، رضایت زناشویی یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده عملکرد سالم خانواده می‌باشد. رضایت زناشویی سهم عمده‌ای در تداوم زندگی زناشویی دارد. به عبارتی دیگر، نارضایتی زناشویی می‌تواند نهایتاً به تحمل همدیگر و یا طلاق منجر شود. در تحقیقات مربوط به طلاق نیز این امر نشان داده شده است؛ طبق نتایج این‌گونه تحقیقات، رضایت از زندگی زناشویی یکی از تبیین‌کننده‌های مهم نگرش به طلاق به شمار می‌رود، و نارضایتی زناشویی (حیدری‌بیگوند و بخشی، ۱۳۸۴) و برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر (ریاحی، علیپوردی‌نیا و بهرامی‌کاکاوند، ۱۳۸۶) از جمله عواملی هستند که با نگرش به طلاق رابطه دارند. برادبوری، فینچام و بیچ (۲۰۰۰) در مقاله خویش، با هدف مطالعه ماهیت و عوامل تعیین‌کننده رضایت زناشویی، تحقیقاتی را که در طول یک دهه در این مورد انجام شده بود، بررسی کردند. آن‌ها با جمع‌بندی نتایج این تحقیقات، نقش رضایت زناشویی در سلامت فرد و خانواده، و همچنین رابطه نارضایتی زناشویی با میزان بالای طلاق در آمریکا و سایر کشورها را مورد بحث قرار داده‌اند.

در ادبیات مربوط به رضایت زناشویی، عمدتاً تعریف ارائه شده توسط ایس مورد استناد قرار می‌گیرد. ایس (۱۹۸۹) رضایت زناشویی را احساسات عینی خشنودی، رضایت و لذت زن و شوهر از تمامی روابط خود تعریف می‌کند. رضایت زناشویی ارزیابی کلی فرد از روابط زناشویی است. این ارزیابی کلی می‌تواند بازتابی از میزان شادی و خوشحالی افراد از زندگی زناشویی‌شان و یا ترکیبی از رضایت آن‌ها از جنبه‌های مربوط به روابط زناشویی باشد (براکوود، ۲۰۰۷).

طبق نتایج تحقیقات انجام شده در کشور ما و کشورهای خارجی، عوامل متعددی

1- marital satisfaction

رضایت زناشویی زوجین را تحت تأثیر قرار می‌دهند که از آن جمله می‌توان به درآمد همسر، رضایت از خلق و خوی همسر، اعتماد، وفاداری، عشق، و احترام متقابل اشاره کرد (به نقل از خدایاری فرد، شهبابی و اکبری زردخانه، ۱۳۸۶؛ سلیمی، آزادمرزآبادی، امیری و تقوی، ۱۳۸۷). در برخی تحقیقات بین متغیرهای جمعیت‌شناختی مثل مدت ازدواج و تعداد فرزندان با رضایت زناشویی رابطه نسبتاً ضعیفی به دست آمده است (سلیمی و همکاران، ۱۳۸۷؛ بادپال، ۱۹۹۲). بادپال (۱۹۹۲) به این نتیجه رسید که ۵ متغیر جمعیت‌شناختی تحصیلات، سطح درآمد خانواده، وضعیت شغلی (شاغل بودن/شاغل نبودن زن)، مدت ازدواج، و داشتن/نداشتن فرزند رابطه خیلی شدیدی با رضایت زناشویی ندارند و این ۵ متغیر روی هم ۸ درصد واریانس رضایت زناشویی مردان و ۱۴ درصد رضایت زناشویی زنان را تبیین می‌کنند. توینگ، کمپل و فوستر (۲۰۰۳) به این نتیجه رسیدند که زوجین دارای فرزند، در کل، رضایت زناشویی کمتری نسبت به زوجین بدون فرزند تجربه می‌کنند. گاتمن و نوتاریوس (۲۰۰۲) نیز گزارش کردند که با آمدن بچه‌ها رضایت زناشویی به سرعت کاهش می‌یابد. این در حالی است که حربی (۱۳۸۵) رابطه معنی‌داری بین تعداد فرزندان و مدت ازدواج با رضایت زناشویی پیدا نکرد. عامل دیگری که در رضایت زناشویی مورد توجه قرار گرفته، اشتغال زنان است.

در ایران، طی دو دهه اخیر همگام با افزایش سطح تحصیلات زنان، گسترش چشمگیری نیز در میزان اشتغال آن‌ها ایجاد شده است. طوری که شمار زنان شاغل از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵ نزدیک به سه برابر شده و نسبت زنان شاغل به کل جمعیت شاغل کشور از ۸/۹ درصد به ۱۳/۶ درصد رسیده است (نقل از جواهری، سراج‌زاده و رحمانی، ۱۳۸۹). این پدیده اجتماعی نه‌تنها بیانگر این است که موقعیت زنان از نظر تحصیل و پایگاه اجتماعی اقتصادی ارتقا یافته است، بلکه به نظر می‌رسد در وضعیت خانوادگی آنها نیز تغییراتی ایجاد کرده است. تحقیقات، برخی از تأثیرات مثبت اشتغال زنان بر ابعاد فردی و خانوادگی را بررسی کرده‌اند. برای مثال، مشخص شده است که اشتغال زنان در دستیابی آن‌ها به کنترل منابع و قدرت تصمیم‌گیری در خانواده (باقری، ملتفت و شریفیان، ۱۳۸۸) مؤثر بوده است. مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی از جمله این

نتایج است. نتایج تحقیق باقری، ملتفت و شریفیان (۱۳۸۸) نشان داد که اشتغال زنان سبب افزایش قدرت تصمیم‌گیری آن‌ها در امور اقتصادی خانواده، نحوه تربیت فرزندان، تعیین تعداد مولید، تعیین نحوه گذراندن اوقات فراغت و افزایش مشارکت سیاسی- اجتماعی زنان شده است. نتایج تحقیقات خارجی نیز نشان داده است که در خانواده‌های دو شغله، زن و شوهر بیش از خانواده‌های سنتی، که در آن‌ها فقط مرد نان‌آور خانواده است، در کارهای خانه مشارکت می‌کنند (بارتلی، ۲۰۰۷).

یکی از مباحثی که به دنبال اشتغال زنان و به عنوان یکی از پیامدهای منفی، توجه محققان را به خود جلب کرده است، تعارض کار- خانه‌داری^۱ است (رستگارخالد، ۱۳۸۵ الف، ۱۳۸۵ ب). تحقیقات نشان داده‌اند که زنان شاغل در زمینه ایجاد تعادل بین مسئولیت‌های خانه‌داری و مسئولیت‌ها و فشارهای شغلی با چالش‌هایی مواجهند، و از روش‌هایی نیز برای کاهش این تعارض استفاده می‌کنند. از جمله نگرانی‌هایی که در این تحقیقات عنوان می‌شود این است که این تعارض ممکن است از نظر روانی مشکلاتی را در زن و شوهر ایجاد کند و همچنین در کاهش رضایت زناشویی آن‌ها تأثیر داشته باشد (رستگارخالد، ۱۳۸۵ ب). نظریه‌های مربوط به تعارض کار- خانواده، عواملی مثل تعارض نقش، ابهام نقش و ... را عاملی مؤثر در وضعیت روانی زنان شاغل بیان می‌کنند. کوپر (۱۳۷۰) منبع بزرگ اضطراب زنان شاغل را تعارض و فشار روانی ناشی از اداره همزمان خانه و کار می‌داند. این در حالی است که رستگارخالد (۱۳۸۵ ب) بیان می‌کند که «ضرورت دارد تعارض کار- خانواده را در جامعه‌های در حال گذر، صرفاً حاصل فشار ناشی از تعدد و تمایز نقش‌ها ندانیم، بلکه علاوه بر آن، این پدیده را به مثابه ماحصل تضاد هنجاری موجود در تعریف نقش‌ها و موقعیت‌های اجتماعی در جامعه‌های در حال گذر در نظر بگیریم» (ص. ۹). در متون و تحقیقاتی که به بررسی تعارض کار- خانواده پرداخته‌اند، بر فشار ناشی از مسئولیت‌ها و تداخل نقش‌های خانه و محیط شغلی تمرکز می‌شود. در تحقیقات نشان داده شده است که تعارض بین نقش‌ها در خانواده‌های

1- work-family conflict

دوشغله با نارضایتی شغلی رابطه مثبت و با رضایت زناشویی رابطه منفی دارد. البته طبق نتیجه برخی تحقیقات خارجی، (برای مثال، استیفی و آسباق، ۱۹۸۶) برنامه‌ریزی و حمایت همسر با تعارض بین نقشی رابطه منفی و با حل مؤثر مسائل مربوط به زندگی زناشویی رابطه مثبت دارد. در تحقیقات داخلی (اقدامی و حسین‌چاری، ۱۳۸۷) نیز نشان داده شده است که دشواری کار زنان پیش‌بینی‌کننده رضایت از روابط زناشویی نیست، بلکه همکاری شوهر در امور خانه، رضایت زناشویی زنان را پیش‌بینی می‌کند. رستگارخالد (۱۳۸۵ ب) با استناد به نتایج تحقیقات قبلی، در زمینه نقش مثبت اشتغال، چند نظر از جمله الگوی توماس و گانستر^۱ در مورد اثر مثبت عامل کنترل فرد بر کار در کاهش فشار ناشی از تعارض کار- خانواده، نظر گود^۲ در مورد حمایت متقابل نقش‌ها از یکدیگر و نظر سایبر^۳ در مورد پاداش حاصل از انباشت نقش‌ها را نقل می‌کند. از نظر سایبر این پاداش‌ها عبارتند از امنیت پایگاهی، منابع ارتقای پایگاه و عملکرد نقش. منظور از امنیت پایگاهی این است که در صورت شکست فرد در یک نقش، نقش دیگر با دادن روحیه جبران و تقویت عزت نفس، او را حمایت می‌کند. منابع ارتقای پایگاه و عملکرد نقش، برعکس عامل قبلی، با انتقال پاداش‌های عملکردی و موفقیت در یک نقش، به نقش دیگر بهبود می‌بخشد و بار فشار حاصل از تعدد وظایف را می‌کاهد. براک‌وود (۲۰۰۷) با استناد به نتایج تحقیقات طولی و همچنین نتایج تحقیقات مبتنی بر یادداشت‌های روزانه آزمودنی‌ها، بیان می‌کند که عواطف مثبت و منفی افراد در خانه به محل کار و برعکس، سرایت می‌یابند. او عنوان می‌کند که براساس تحقیقات تجربی، این اسطوره که کار و خانواده دو حوزه جداگانه‌ای هستند، شکسته شده است. او ترجیح می‌دهد به لحاظ خنثی بودن اصطلاح «وجه مشترک شغل- خانواده»^۴، نسبت به اصلاحات «تعارض کار- خانواده» یا «تسهیل کار- خانواده»^۵ از اصطلاح مذکور استفاده کند.

زنان انگیزه اشتغال خود را کمک به اقتصاد خانواده، کسب درآمد برای حفظ استقلال

1- Tomas & Ganster

3- Sieber

5- work-family facilitation

2- Goode

4- work-family interface

مادی، رشد شخصی و کسب منزلت و اعتبار و احترام اجتماعی عنوان می‌کنند (ساروخانی، ۱۳۸۱، رستگارخالد، ۱۳۸۵ الف) و تنها ۳ درصد، انگیزه خود را تکمیل اوقات فراغت و سرگرم شدن ذکر می‌کنند. بنابراین دستیابی به هر یک از این عوامل می‌تواند در بالا بردن رضایت از زندگی و همچنین رضایت زناشویی زنان شاغل نقش مهمی ایفا کند. این در حالی است که تحقیقات، نتایج مغایری در مورد رضایت زناشویی زنان شاغل و خانه‌دار نشان داده‌اند. در برخی تحقیقات داخلی و خارجی (صادق‌مقدم، عسکری، معروضی، شمس و طهماسبی، ۱۳۸۵؛ آلیم و دتیش، ۲۰۰۸) تفاوت معنی‌داری بین رضایت زناشویی زنان خانه‌دار و شاغل به دست نیامده است، در حالی که در برخی تحقیقات (طهماسبی، مقدسی، علوی و مرادی، ۱۳۸۵؛ موسوی، ۱۳۸۵؛ سیلی، کایا و بودور، ۲۰۰۶)، میزان رضایت زناشویی زنان شاغل بیش از زنان خانه‌دار گزارش شده است.

موضوعی که حائز اهمیت است این‌که، در تحقیقات قبلی به گروه‌های شغلی زنان توجه نشده و صرفاً به مقایسه زنان شاغل و خانه‌دار پرداخته‌اند. لذا تحقیق حاضر با در نظر داشتن تفاوت‌های مربوط به ماهیت مشاغل دولتی و آزاد، در صدد است ضمن مقایسه ابعاد رضایت زناشویی زنان شاغل و خانه‌دار، رضایت زناشویی زنان شاغل در مشاغل دولتی (کارمندان و فرهنگیان) و مشاغل آزاد را نیز مقایسه کند.

روش

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش را زنان متأهل شاغل و خانه‌دار شهرستان تبریز، که با همسرشان زندگی می‌کردند، تشکیل می‌داد. از جامعه مذکور تعداد ۳۲۲ نفر (۱۵۲ نفر خانه‌دار و ۱۷۰ نفر شاغل شامل ۶۴ کارمند، ۵۱ فرهنگی و ۵۵ نفر دارای مشاغل آزاد و تجاری) انتخاب شد. در انتخاب نمونه، برای این که بتوانیم نمونه‌ای نسبتاً معرف از زنان شاغل و خانه‌دار انتخاب کنیم، انتخاب افراد به سه روش صورت گرفت: (۱) مراجعه خانه

به خانه، ۲) مراجعه به ادارات و مدارس، و ۳) تکمیل پرسشنامه در اماکن عمومی، مراکز بهداشتی و درمانی و مراکز خدماتی خاصی که عمدتاً محل مراجعه و تردد زنان هستند. در هر سه روش، مجریان آموزش دیده ابتدا با افراد در مورد هدف کلی تحقیق و تمایل آن‌ها به مشارکت و تکمیل پرسشنامه‌ها صحبت می‌کردند و پس از جلب همکاری آگاهانه‌شان، پرسشنامه‌ها را در اختیارشان قرار می‌دادند. در نهایت ۳۵٪ پاسخ‌دهنده‌ها از طریق مراجعه خانه به خانه، ۴۷٪ از طریق مراجعه به ادارات و مدارس و ۱۸٪ از اماکن عمومی، مراکز بهداشتی و درمانی و مراکز خدماتی انتخاب شدند.

ابزارهای اندازه‌گیری

برای اندازه‌گیری متغیرها از پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ و پرسشنامه اطلاعات جمعیت‌شناختی استفاده شد.

پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ: در سال ۱۹۹۴ توسط اولسون، فورنیر و درانکمن^۱ برای ارزیابی میزان رضایت زناشویی تهیه شده است. به نظر آن‌ها این پرسشنامه می‌تواند زمینه‌های مهم رابطه زناشویی، و نیرومندی و مشکلات بالقوه آن‌ها را مشخص نماید و می‌تواند به عنوان ابزار تشخیصی برای زوج‌هایی که در پی مشاوره و تقویت رابطه زناشویی خود هستند، به کار رود. این پرسشنامه یکی از ابزارهای معتبر و پرکاربرد در تحقیقات بوده است. اولسون و همکاران اعتبار آن را با روش ضریب آلفا ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند. چون نسخه اصلی پرسشنامه دارای ۱۱۵ سؤال بوده و باعث خستگی آزمودنی‌ها می‌شود، سلیمانیان در سال ۱۳۷۳ فرم کوتاهی از آن را تهیه کرد. برای این منظور ۴۷ سؤال را که از همبستگی نسبتاً بالایی برخوردار بودند انتخاب نمود. وی همبستگی درونی فرم کوتاه پرسشنامه را ۰/۹۵ گزارش کرده است. در یک پژوهش دیگر، مهدویان در سال ۱۳۷۶ پایایی بازآزمایی آن را با فاصله یک هفته‌ای، برای مردان و زنان به ترتیب، ۰/۹۳۷ و ۰/۹۴۴ گزارش کردند (احمدی، ۱۳۸۳؛ ثنائی، علاقیند، فلاحی و هومن، ۱۳۸۷). در این پژوهش از فرم ۴۷ سؤالی این پرسشنامه استفاده شده است. این پرسشنامه رضایت

1- Olson, Fournier & Druckman

رضایت زناشویی را در ۹ زمینه رضایت از ویژگی‌های شخصیتی طرف مقابل، رضایت از ارتباط، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، رضایت از روابط جنسی و صمیمیت عاطفی با همسر، فرزندان و فرزندپرووری، روابط با خویشاوندان و دوستان، و جهت‌گیری مذهبی در زندگی زناشویی اندازه می‌گیرد. ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه در پژوهش حاضر ۰/۹۳۵ به دست آمد.

یافته‌ها

میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۳۱/۸۵ ($SD=7/49$) سال، میانگین مدت ازدواج آن‌ها ۸/۷۴ ($SD=7/11$) سال و تعداد فرزندانشان حداکثر ۴ نفر ($M=1/28$; $SD=0/94$) بود. تفاوت زنان شاغل و خانه‌دار از نظر طول مدت ازدواج، تعداد فرزندان و میزان تحصیلات بررسی شد. بین زنان شاغل و خانه‌دار از نظر مدت ازدواج و تعداد فرزندان تفاوت معنی‌داری وجود نداشت (جدول ۱).

جدول شماره (۱) مقایسه زنان شاغل و خانه‌دار از نظر مدت ازدواج، تعداد فرزندان و میزان تحصیلات

متغیرها	زنان شاغل	زنان خانه‌دار	آزمون آماری
مدت ازدواج	۸/۷۶ (۷/۳۵)	۸/۷۱ (۶/۸۲) ^a	$t = -0/047$
تعداد فرزندان			
بدون فرزند	۳۳ (۲۳/۹)	۲۵ ^b (۲۲/۷)	$X^2 = 1/327$
۱ فرزند	۴۹ (۳۵/۵)	۴۰ ^b (۳۶/۴)	
۲ فرزند	۴۷ (۳۴/۱)	۳۶ ^b (۳۲/۷)	
۳ فرزند	۷ (۵/۱)	۵ ^b (۴/۵)	
۴ فرزند	۲ (۱/۴)	۴ ^b (۳/۶)	

a. mean (SD) b. Frequency (%)

برای مقایسه ابعاد رضایت زناشویی در بین گروه‌های زنان شاغل و زنان خانه‌دار از تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده شد. ابتدا مفروضه‌های مقدماتی نظیر داده‌های پرت

جدول شماره (۳) خلاصه نتایج آزمون F اثرات بین گروهی مربوط به ابعاد رضایت زناشویی در زنان شاغل و خانه‌دار

ابعاد رضایت زناشویی	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	p
شخصیت همسر	۵۱۶/۲۸۱	۳	۱۷۲/۰۹۴	۸/۳۴۱**	<۰/۰۰۱
ارتباط	۸۵۱/۹۰۷	۳	۲۸۳/۹۶۹	۱۱/۵۷۳**	<۰/۰۰۱
حل تعارض	۸۵۳/۴۶۷	۳	۲۸۴/۴۸۹	۱۴/۶۷۶**	<۰/۰۰۱
مدیریت مالی	۳۲۸/۷۹۹	۳	۱۰۹/۶۰۰	۶/۱۱۳**	<۰/۰۰۱
اوقات فراغت	۲۲۷/۶۸۶	۳	۷۵/۸۹۵	۴/۵۵۱**	۰/۰۰۴
روابط جنسی	۲۵۴/۳۳۷	۳	۸۴/۷۷۹	۷/۴۹۱**	<۰/۰۰۱
فرزندپروری	۷۸/۹۵۸	۳	۲۶/۳۱۹	۲/۰۳۴	۰/۱۰۹
خویشاوندان و دوستان	۱۸۴/۱۸۵	۳	۶۱/۳۹۵	۴/۵۵۱**	۰/۰۰۴
جهت‌گیری مذهبی	۱۰۰/۹۲۱	۳	۳۳/۶۴۰	۲/۲۱۲	۰/۰۸۷

**p<0/01

جدول ۴ نشان می‌دهد که بین زنان خانه‌دار و شاغل از نظر ابعاد نگرش به ویژگی‌های شخصیتی طرف مقابل، رضایت از ارتباط، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، روابط جنسی و صمیمیت عاطفی با همسر، روابط با خویشاوندان و دوستان، تفاوت معنی‌داری وجود دارد و زنان خانه‌دار در این ابعاد رضایت کمتری نسبت به زنان شاغل دارند. مقایسه زنان دارای مشاغل آزاد با زنان دارای مشاغل دولتی نشان می‌دهد که زنان دارای مشاغل آزاد از نظر نگرش به ویژگی‌های شخصیتی طرف مقابل، حل تعارض، مدیریت مالی، و فعالیت‌های اوقات فراغت، رضایت کمتری نسبت به زنان دارای مشاغل دولتی دارند. در مقایسه زنان کارمند و فرهنگی مشاهده می‌شود که بین این دو گروه در هیچ‌یک از ابعاد رضایت زناشویی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

جدول شماره (۴) مقایسه زنان خانه‌دار و گروه‌های زنان شاغل از نظر ابعاد رضایت زناشویی با استفاده از مقابله طرح‌ریزی شده

ابعاد رضایت زناشویی	خانهدار در مقایسه با شاغل	مشاغل آزاد در مقایسه با دولتی	کارمند در مقایسه با فرهنگی
p	برآورد مقابله	p	برآورد مقابله
شخصیت	۰/۰۰۱ <	۰/۰۴۹	۰/۵۹۰
همسر	۰/۰۰۱ <	۰/۰۷۱	۰/۹۵۴
ارتباط	۰/۰۰۱ <	۰/۰۱۲	۰/۸۷۳
حل تعارض	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۸۰۲
مدیریت مالی	۰/۰۰۳	۰/۰۳۰	۰/۶۴۵
اوقات فراغت	۰/۰۰۱ <	۰/۱۹۰	۰/۲۱۶
روابط جنسی خویشاوندان و دوستان	۰/۰۰۱	۰/۲۱۶	۰/۸۱۳

* p<0/05 ** p<0/01

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که زنان خانه‌دار در مقایسه با زنان شاغل در بیشتر زمینه‌ها (نگرش به ویژگی‌های شخصیتی طرف مقابل، رضایت از ارتباط، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، روابط جنسی و صمیمیت عاطفی با همسر، روابط با خویشاوندان و دوستان) از رضایت کمتری برخوردارند و فقط از نظر نگرش به فرزندپروری و جهت‌گیری مذهبی بین زنان شاغل و خانه‌دار تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. این یافته با نتایج تحقیق صادق‌مقدم و همکاران (۱۳۸۵) و آلیم و دتیش (۲۰۰۸) مغایر است، اما با نتایج برخی از تحقیقات داخلی و خارجی (طهماسبی و همکاران، ۱۳۸۵؛ بادبالی، ۱۹۹۲؛ موسوی، ۱۳۸۵؛ سیلی، کایا و بودور، ۲۰۰۶)، که میزان رضایت زناشویی زنان شاغل را بیش از زنان خانه‌دار گزارش کرده‌اند، همسوست. موسوی (۱۳۸۵) در مطالعه بر روی زنان شهر تهران، نیز به این نتیجه رسید که زنان شاغل در برخی زمینه‌ها رضایت بیشتری از زنان خانه‌دار دارند. اما تعداد موارد کمتری نسبت به تحقیق حاضر

گزارش کرده است. در تحقیق وی زنان خانه‌دار از نظر نگرش به ویژگی‌های شخصیتی همسر، رضایت از ارتباط، و روابط جنسی پایین‌تر از زنان خانه‌دار بودند، احتمالاً این امر به تفاوت‌های فرهنگی و بافت سنتی شهر تبریز در مقایسه با تهران، مربوط می‌شود. بالا بودن رضایت زناشویی زنان شاغل، در مقایسه با زنان خانه‌دار، به نوعی فرضیه «تعارض کار- خانواده» در مورد پایین بودن رضایت زناشویی زنان شاغل را رد می‌کند، با نظریات و نتایج تحقیقاتی که بر پیامدهای مثبت اشتغال زنان تأکید داشته‌اند، همگام است. از این منظر می‌توان گفت این تحقیق همگام با سایر تحقیقات پیامدهای مثبت اشتغال زنان را تأیید می‌کند. به عنوان مثال، تحقیقات مهدی‌زاده و صالحی (۱۳۸۶) و باقری، ملتفت و شریفیان (۱۳۸۸) نشان داد که اشتغال زنان، قدرت و نقش آن‌ها را در تصمیم‌گیری‌های خانواده افزایش می‌دهد. مهدی‌زاده و صالحی (۱۳۸۶) همچنین گزارش کردند که نقش جدید زنان در بیرون از خانه، موقعیت و جایگاه آن‌ها را در خانه تغییر داده است. تحقیقات خارجی، از جمله تحقیقات بلود و ولف^۱ در آمریکا در سال ۱۹۶۰ و تحقیقات کونیک در سال‌های ۱۹۷۰ در آلمان و به طور کلی مطالعاتی که از ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ به بعد انجام شده است دگرگونی قدرت در خانواده را نشان می‌دهند و گویای این هستند که اشتغال زن با کاهش قدرت شوهر در تصمیم‌گیری همراه است (اعزاز، ۱۳۸۰). بنابراین، می‌توان گفت که زنان شاغل به موقعیت‌هایی دست پیدا کرده‌اند که زمینه افزایش رضایت زناشویی را در آن‌ها فراهم ساخته است. به عبارت دیگر، اشتغال زنان حوزه قدرت جدیدی است، که در افزایش رضایت آن‌ها از زندگی زناشویی مؤثر می‌باشد. شاید یکی از دلایل پایین بودن رضایت زناشویی زنان خانه‌دار نیز به احساس محروم بودن آن‌ها از موقعیت‌هایی مربوط می‌شود که هم‌تایان شاغل آن‌ها از طریق اشتغال، به آن موقعیت‌ها دست یافته‌اند. البته به نظر می‌رسد برخی عوامل خانوادگی، فردی یا اجتماعی در کاهش احتمال اشتغال این گروه از زنان و کاهش رضایت زناشویی آن‌ها توأمان نقش داشته باشد. در حالی که در اشتغال و بالا بودن رضایت زناشویی زنان شاغل نیز عوامل خانوادگی،

1- Blood & Wolfe

فردی یا اجتماعی به طور توأمان نقش داشته‌اند. بدیهی است روشن شدن این موضوع به بررسی و انجام تحقیقات بیشتر نیازمند است.

در مقایسه مشاغل، روشن شد که بین زنان فرهنگی و کارمند تفاوتی از نظر ابعاد رضایت زناشویی وجود ندارد. در حالی که زنان دارای مشاغل آزاد در مقایسه با مشاغل دولتی (فرهنگیان و کارمندان) از نظر نگرش به ویژگی‌های شخصیتی طرف مقابل، حل تعارض، مدیریت مالی، و فعالیت‌های اوقات فراغت، رضایت کمتری دارند. همان گونه که تحقیقات نشان داده است، خشنودی زناشویی^۱ با رضایت شغلی رابطه دارد (بارتلی، ۲۰۰۷). البته همان گونه که در تحقیق جواهری، سراج‌زاده و رحمانی (۱۳۸۹) نشان داده شده است تنوع پذیری و تناسب شغل با مهارت و تخصص با کیفیت زندگی زنان شاغل رابطه دارد. به عبارت دیگر زنانی که وضعیت شغلی مناسب‌تری دارند از کیفیت زندگی مناسب‌تری نیز برخوردارند. همچنین رضایت از شغل طبق تحقیق آن‌ها ۲۹ درصد واریانس کیفیت زندگی را پیش‌بینی می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که احتمالاً به دلیل محیط مناسب شغلی، ثبات و امنیت شغلی نسبی، و مشخص بودن ساعات کار در مشاغل دولتی، این مشاغل در بالا بودن رضایت زناشویی زنان فرهنگی و کارمند نقش داشته‌اند. در این پژوهش روشن شد که مشکلات بالقوه زنان خانه‌دار عبارتند از: نگرش به ویژگی‌های شخصیتی طرف مقابل، نارضایتی از ارتباط، مشکلات مربوط به حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، روابط جنسی و صمیمیت عاطفی با همسر، روابط با خویشاوندان و دوستان. همچنین نتایج نشان داد که مشکلات بالقوه زنان دارای مشاغل آزاد؛ نگرش به ویژگی‌های شخصیتی طرف مقابل، حل تعارض، مدیریت مالی، و فعالیت‌های اوقات فراغت را شامل می‌شود. لذا، همان طوری که سازندگان پرسشنامه، اولسون و همکارانش (نقل از ثنائی و همکاران، ۱۳۸۷)، توانایی آن را در شناسایی مشکلات بالقوه رابطه زناشویی افراد خاطرنشان ساخته و بیان کرده‌اند که این ابزار می‌تواند برای تشخیص زوج‌های متقاضی مشاوره و تقویت رابطه زناشویی به کار رود، لذا مشاوران

1- marital happiness

و روانشناسان و همه افرادی که در زمینه اشتغال و مسائل مربوط به خانواده و زنان درگیر هستند، می‌توانند ضمن توجه به مسائل مربوط به اشتغال زنان و نقش آن در رضایت زناشویی، خدمات خود را بر توانمندسازی ابعاد فوق متمرکز سازند.

تاریخ دریافت نسخه اولیه مقاله: ۱۳۹۰/۰۸/۲۳

تاریخ دریافت نسخه نهایی مقاله: ۱۳۹۱/۰۱/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۰۴/۱۲

منابع

References

- احمدی، خدابخش (۱۳۸۳). پرسشنامه رضایت زناشویی ENRICH، تهران: مؤسسه تحقیقاتی علوم رفتاری سینا (روان تجهیز).
- اقدامی، زهرا و حسین‌چاری، مسعود (۱۳۸۷). تأثیر دشواری کار زنان شاغل و همکاری همسران در امور منزل بر رضایت از روابط زناشویی و اختلال‌های رفتاری فرزندان، فصلنامه مطالعات زنان، ۶(۱)، ۵۳-۶۹.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی خانواده: با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- باقری، معصومه؛ ملتفت، حسین و شریفیان، هدایت (۱۳۸۸). بررسی تأثیر اشتغال زنان بر هرم قدرت در خانواده، فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۵(۱۸)، ۲۶۲-۲۴۷.
- پالانت، جولی (۱۳۸۹). تحلیل داده‌های علوم رفتاری با برنامه SPSS، ترجمه اکبر رضایی. تبریز: فروزش.
- ثنائی، باقر؛ علاقیند، ستیلا؛ فلاحتی، شهره و هومن، عباس (۱۳۸۷). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج، تهران: بعثت.
- جواهری، فاطمه؛ سراج‌زاده، سیدحسین و رحمانی، ریتا (۱۳۸۹). تحلیل اثرات اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آنان (مطالعه موردی: زنان شاغل در وزارت جهاد کشاورزی)، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۸(۲)، ۱۶۲-۱۴۳.
- حربی، ویدا (۱۳۸۵). رابطه هوش هیجانی با رضایت زناشویی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- حیدری‌بیگوند، داریوش و بخشی، حامد (۱۳۸۴). نگرش جمعیت ۱۸ تا ۶۵ ساله ساکن شهر مشهد به طلاق و عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر آن، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ۵، ۷۴-۴۵.
- خدایاری‌فرد، محمد، شهبایی، روح‌اله و اکبری‌زردخانه، سعید (۱۳۸۶). رابطه نگرش مذهبی با رضایت زناشویی در دانشجویان متأهل، فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۳(۱۰)، ۶۲۰-۶۱۱.
- رستگارخالد، امیر (۱۳۸۵ الف). اشتغال زنان و ضرورت کنترل فشارهای ناشی از کار خانگی، دانشور رفتار، ۱۳(۱۹)، ۵۲-۳۳.

- رستگارخالد، امیر (۱۳۸۵ ب). زنان شاغل و بررسی تأثیر منابع کنترل فشار بر ترکیب نقش‌های شغلی- خانوادگی آنان، فصلنامه بانوان شیعه، ۳(۸)، ۳۵-۷.
- ریاحی، محمداسماعیل؛ علیوردی‌نیا، اکبر و بهرامی‌کاکاوند، سیاوش (۱۳۸۶). تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق: مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه، مجله پژوهش زنان، ۵(۳)، ۱۴۰-۱۰۹.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۱). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، چاپ ۴. تهران: انتشارات سروش.
- سلیمی، سیدحسین؛ آزادمرزآبادی، اسفندیار؛ امیری، ماندانا و تقوی، سیدمحمدرضا (۱۳۸۷). ابعاد رضایت زناشویی در همسران جانباز، اندیشه‌های نوین تربیتی، ۴(۴)، ۷۲-۵۵.
- صادق‌مقدم، لیلا؛ عسکری، فریبا؛ معروضی، پرویز؛ شمس، هدایت‌الله و طهماسبی، سیمین (۱۳۸۵). میزان رضایت از زندگی زناشویی در زنان شاغل و خانه‌دار و همسران آنها در شهر گناباد، فصلنامه افق دانش، ۱۲(۲)، ۵۰-۴۵.
- طهماسبی، سیمین؛ مقدسی، جعفر؛ علوی، اعظم و مرادی، محمدتقی (۱۳۸۵). بررسی مقایسه‌ای میزان رضایت‌مندی از زندگی زناشویی و خانه‌دار شهرکرد، مجله دانشکده پرستاری و مامایی همدان، ۲۶، ۲۵-۲۰.
- کوپر، گاری (۱۳۷۰). زندگانی با اضطراب، ترجمه ماشاءالله مدیحی. تهران: انتشارات یادآوران.
- موسوی، اشرف‌السادات (۱۳۸۵). مقایسه سویه‌های متفاوت رضامندی از زندگی زناشویی در زنان شاغل و خانه‌دار، مطالعات زنان، ۴(۲)، ۸۸-۷۱.
- مهدی‌زاده، شراره و صالحی، ناهید (۱۳۸۶). عوامل مؤثر بر روابط زوجین در خانواده‌های روستایی استان تهران. مجله پژوهش زنان، ۳(۳)، ۱۹۵-۱۶۹.
- Aleem, Sh., Danish, L., (2008). Marital Satisfaction and Anxiety among Single and Dual Career Women, *Journal of the Indian Academy of Applied Psychology*, 38: 141-144.
- Badyal, P. (1992). *The Relationship between Five Demographic Variables and Marital Satisfaction of Men and Women in Dual-earner Marriages*, M.A. Thesis, University of British Columbia.
- Bartley, Sh.J. (2007). Antecedents of Marital Happiness and Career Satisfaction: An Empirical Study of Dual-Career Managers, *Journal of Business and Public Affairs*. 1(1). at <http://www.scientificjournals.org>.

- Bradbury, T.N., Fincham, F.D., & Beach, S.R. (2000). Research on the Nature and Determinants of Marital Satisfaction: A Decade in Review. *Journal of Marriage and the Family*, 62: 964-980.
- Brockwood, K.J. (2007). Marital Satisfaction and the Work-Family Interface: An Overview, *Sloan Work and Family Research Network*, 14: 1-14.
- Ellis, A. (1989). *Rational-Emotive Couples Therapy*, New York: Bergamon Press.
- Greeff, A.P. (2000). Characteristics of Families That Function Well, *Journal of Family Issues*, 21(9): 948-962.
- Gottman, J.M., & Notarius, C.I. (2002). Marital Research in the 20th Century and a Research Agenda for the 21st Century, *Family Process*, 41: 159-197.
- Cilli, A.S., Kaya, S., Bodur, I., (2006). *A Comparative Analysis on the Psychological Wymptoms Observed in the Working Women and Housewives*, Public Health Branch.
- Twenge, J.M., Campbell, W. K., & Foster, C.A. (2003). Parenthood and Marital Satisfaction: A Meta-analytic Review, *Journal of Marriage and Family*, 65: 574-583.
- Steffy, B.D. and Ashbaugh, D. (1986). Dual-career Planning, Marital Satisfaction and Job Stress among Women in Dual-career Marriages, *Journal of Business and Psychology*, 1(2): 114-123.